

## تحلیل نشانه‌شناختی قدرت در روایات امامان شیعه (ع)

حمده اکوانی<sup>۱</sup>، سید داوود موسوی<sup>۲</sup>، علی باقری دولت آبادی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

### چکیده

قدرت از جمله مفاهیمی است که تاکنون از منظرهای مختلف تعریف شده است. تقسیم قدرت به گونه‌های مختلف سخت، نرم، هوشمند و... حاکی از گستردگی دیدگاه‌ها در مورد این مفهوم است. بحث از قدرت، منابع و شیوه‌های اعمال آن همراستا با اندیشه‌های غربی در مطالعات اسلامی نیز مطرح بوده است. سؤال اصلی مقاله این است که قدرت اشاره‌شده در روایات امامان شیعه (ع) چه نوع قدرتی است؟ فرضیه مقاله این است که در روایات امامان شیعه (ع) منظومه‌ای از نشانه‌ها قابل استنتاج است که ما را به سوی مفهوم قدرت متعالی رهنمون می‌سازد. برای پاسخ به سوال فوق از روش نشانه‌شناسی استفاده گردید و هدف مقاله شناسایی نشانه‌های قدرت در روایات شیعه است. یافته‌های پژوهش نشان‌داد که منبع قدرت، صاحبان قدرت، هدف قدرت و شیوه‌های اعمال قدرت با گونه‌های مرسوم قدرت در نظریه‌های سیاسی که موسوم به سخت، نرم و شبکه‌ای است متفاوت است. دلالت معنایی روایات شیعه نشان می‌دهد که قدرت کالایی نیست که به تملک انسان‌ها درآید، هدف اعمال قدرت نیز سلطه انسان بر انسان نیست و قدرت مشروع نیز نه با اجبار بلکه از سر رضایت است. افزون بر این، قدرت الزاما معادل قدرت رسمی و نهادی نیست و طیفی از روش‌ها چون سکوت، تقیه، دوستی و مردم‌داری قدرتی تولید می‌کنند که از قدرت رسمی و نهادی آثار بیشتری دارد. بنابراین؛ منظومه معنایی قدرت مدنظر روایات شیعه را می‌توان با ویژگی‌های قدرت متعالی همسو دانست.

**واژگان اصلی:** قدرت نرم، قدرت سخت، قدرت متعالی، روایات شیعه، نشانه‌شناسی.

<sup>۱</sup> دانشیار اندیشه سیاسی در اسلام، گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

akvani@yu.ac.ir

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

<sup>۳</sup> دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

## مقدمه

ضرورت تشکیل حکومت، از همان صدر اسلام مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و بعدها مسأله چگونگی انتخاب رهبر آن به مهمترین چالش تاریخ اسلام بدل شد. در واقع، درباره ی اینکه چه کسی این شایستگی را دارد که دستاورد عظیم پیامبر (ص) را راهبری کند، هیچ اجماع نظری در میان مسلمانان شکل نگرفت. این پراکندگی آراء، هم در زمینه ی شخص خلیفه و هم در زمینه ی فلسفه ی جانشینی و طریقه ی انتخاب خلیفه و پس از آن، نحوه اعمال قدرت وجود داشت. یکی از جدی ترین مدعیان مسأله جانشینی و طرح نظری مسأله قدرت و چگونگی اعمال آن، شیعیان بودند. در نگاه شیعه، خلافت یا جانشینی پیامبر (ص) یک حق و آن هم متعلق به بدنه ی اصلی خاندان اهل بیت (ع) است. اما سرنوشت تشیع در حوزه ی سیاست، از همان لحظه ی رحلت پیامبر با ناکامی و عدم دستیابی به هدف شروع شد. این سرنوشت، وضعیتی غالب در تاریخ سیاسی تشیع بود.

این امر دو دلیل کلی و همیشگی داشت: یکی اصرار و جدیت دیگر مدعیان حکومت در تصاحب رأس هرم سیاسی و دیگری همراهی متزلزل و غیرقابل اتکای بخش عمده ای از حامیان سیاسی امامان شیعه. برخورد شدید و خشن مدعیان قدرت با ائمه اطهار (ع) و طرفدارانشان از یک طرف و پیمان شکنی و بدعهدی بسیاری از به ظاهر هواداران، عواملی بود که امامان شیعه را وادار به کناره گیری از سیاست رسمی و سطح کلان قدرت و تئوریزه کردن نظریه جدیدی از قدرت کرد. به نحوی که روایات شیعه گنجینه ای عظیم برای شناسایی و صورت بندی نظریه قدرت در گفتمان امامان شیعه محسوب می گردد. هدف این مقاله شناسایی نشانه های قدرت در روایات شیعه است. از این رو سؤال اصلی مقاله این است که قدرت اشاره شده در روایات شیعه چه نوع قدرتی است؟ فرضیه مقاله این است که در روایات شیعه منظومه ای از نشانه ها قابل استنتاج است که ما را به سوی مفهوم قدرت متعالی رهنمون می سازد. برای پاسخ به سؤال مقاله از روش نشانه شناسی استفاده گردید. بدین صورت که در اولین قدم همه روایاتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با قدرت ارتباط داشتند بررسی و روایات مورد نظر استخراج شدند. جامعه پژوهش را روایات نقل شده از تمامی امامان شیعه تشکیل

دادند و جمعاً ۵۰ حدیث که به‌طور صریح یا ضمنی به قدرت اشاره داشتند بررسی شدند. برای تسریع در کار پژوهش و اطمینان از کامل و جامع بودن آن، احادیث از چند سایت معتبر در زمینه‌ی روایات شیعه نظیر جامع-الاحادیث، کتابخانه احادیث شیعه گردآوری شدند. گام نهایی نشانه‌شناسی روایات و قرارداد آن ذیل هشت مقوله مجزا بود.

### ۱- پیشینه پژوهش

در مورد موضوع قدرت تاکنون پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. بخش عمده‌ای از این پژوهش‌ها در مورد تحلیل مفهوم قدرت در اندیشه متفکران غربی است که از دایر بحث این مقاله خارج است. در میان پژوهش‌های انجام شده درباره مطالعات اسلامی می‌توان به سه مورد که بیشترین نزدیکی شکلی به مقاله حاضر را دارند اشاره کرد:

عباس‌زاده (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی مؤلفه‌های قدرت نرم در آموزه‌های مهدوی» توضیح می‌دهد در انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) که برای برقراری عدالت جهانی و شکوفایی زندگی انسانی شکل خواهد گرفت، مؤلفه‌های روانشناختی، اجتماعی فرهنگی، علمی و سیاسی قدرت نرم، موردتوجه خواهد بود.

جعفری پناه و پوراحمدی (۱۳۹۲) در مقاله «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران» استدلال می‌کنند مؤلفه‌های قدرت نرم در اسلام متفاوت از آن چیزی است که در مفهوم‌سازی اولیه از این قدرت ارائه شده است. علت این تفاوت در نوع نگاه به قدرت، انسان، اخلاق و خدا است. این نوع قدرت ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه پیرامونی تأثیرگذار است.

میرزایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت نرم و منابع آن در آینه‌ی آیات قرآن» مفهوم قدرت را در ادبیات قرآن و ادبیات رایج سیاسی جهان بررسی می‌کند. طبق یافته‌های نویسنده قرآن علاوه بر به کارگیری قدرت سخت در موارد خاص، بیشتر به قدرت نرم خود متکی است. آیات قرآن

بیانگر قدرت نرم اسلام و منابع آن در برابر جنگ نرم مستکبران است.

افتخاری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «نظریه قدرت نرم در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب» نشان می دهند انگاره «قدرت نرم» در گفتمان غربی تک بعدی و ناظر بر وجه مادی انسان است و لذا میان قدرت و اخلاق تفکیک قائل شده و از درک سایر منابع قدرت عاجز می باشد؛ حال آنکه در نگاه قرآنی این نظریه از چهار ساحت برخوردار بوده و در آن علاوه بر منابع قدرت، به مدیریت، استحکام و خاستگاه قدرت نیز توجه شده است.

لک زایی و حبیبی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «انواع قدرت از دیدگاه قرآن کریم» به این سؤال پاسخ داده‌اند که انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم کدام است و اسمشان چیست؟ طبق یافته آنها قرآن کریم قدرت نرم را در دو نوع حقیقی و کاذب توصیف نموده است. انواع حقیقی متصف به متعالیه در مقابل کاذب و وهمی موصوف به متعالیه است.

ضعف اصلی این مقالات تکیه صرف بر مؤلفه‌های قدرت نرم در قرآن یا جمهوری اسلامی است و روایات شیعه یا بررسی نشده و یا به صورت حاشیه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، توجه به روایات شیعه از منظر نوع نگاه به قدرت، کارکردها و ابعاد آن وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین است و به آن نوآوری می بخشد.

## ۲- مبانی نظری

در مقام نظر و بر روی کاغذ در تعریف قدرت اجماعی وجود ندارد. (عالم، ۱۳۸۸: ۸۶) برداشت سستی از قدرت، مبتنی بر مکتب واقع‌گرایی است که به تحلیل قدرت بر اساس «عناصر ملی» می پردازد. عناصری چون جمعیت، سرزمین، توان اقتصادی، نیروی نظامی و قدرت دریایی. (وحیدی، ۱۳۸۶: ۶۹۹) در اندیشه سیاسی مدرن نیکولو ماکیاولی و توماس هابز وقتی از قدرت سخن می گویند، اعمال قدرت به وسیله دولت را مد نظر دارند. (عالم، ۱۴۰۰) کمالینکه ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) قدرت را نوعی وسیله تحت تملک شخص یا گروهی از اشخاص برای اعمال اراده خود حتی در

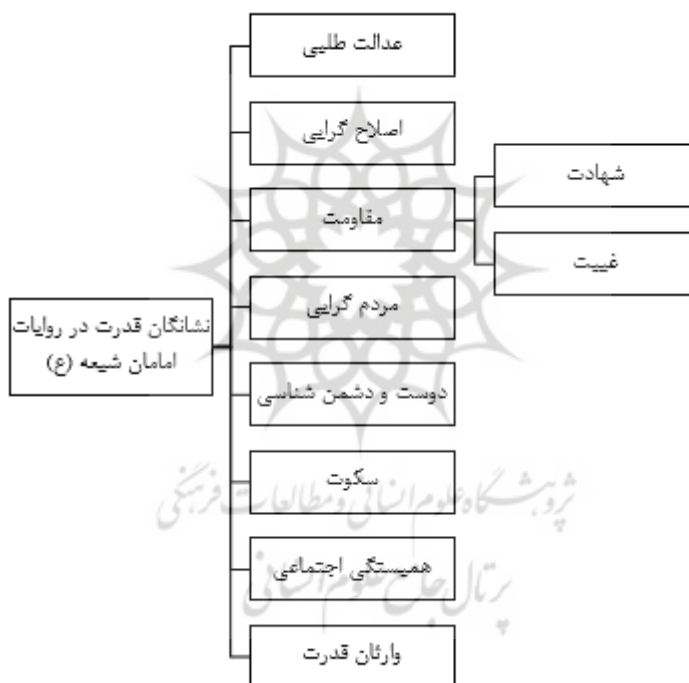
برابر مقاومت عناصر دیگر که در صحنه عمل شرکت دارند ذکر می‌کند. (ویبر، ۱۳۶۷: ۸۶) در نگاه کارل مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸) نیز قدرت «اعمال قهر متشکل یک طبقه برای سرکوب طبقه دیگر» است (مارکس و انگلس، ۱۳۵۹: ۸۱) و با تعریف هانس مورگنتا چندان تفاوتی ندارد. او نیز قدرت را اعمال زور بر افکار و اعمال دیگران برای رسیدن به اهداف خود برمی‌شمرد. (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۸۳) در همه این تعاریف وجه مادی قدرت برجسته و عریان است؛ اما در اواخر قرن بیستم مفهوم قدرت به‌عنوان نوعی رابطه بین اعمال‌کننده و پذیرنده تغییر کرد. جوزف‌نای آینده قدرت را از آن کسی دانست که بتواند در رفتار دیگر بازیگران تغییرات دلخواه خودش را ایجاد کند و از اجبارکنندگی عریان دور باشد. (Nye, 1990: 153-171) به نظر نای نوع دیگری از قدرت به نام قدرت نرم وجود دارد که می‌تواند «با شکل‌دهی خواسته‌های دیگران بر رفتار آنان اثر گذارد.» (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۶۰-۵۳) وی گفت «نیازی نیست که با تهدید و تطمیع یا سیاست چماق و هویج به نتایج دلخواه رسید، بلکه می‌توان کاری کرد که افراد، خود، خواسته شما را خواسته خود بدانند و با اراده خود، آن را عملی سازند.» (شاکری و لکزایی، ۱۳۹۶: ۵۲)

این تعریف از قدرت نوعی وام گرفتن از دیدگاه‌های آنتونیو گرامشی (۱۹۳۷-۱۸۹۱) بود که با وضع مفهوم هژمونی آن را شاخص نوعی از قدرت می‌دانست که به نقش آگاهی اجتماعی، در ایجاد فرمانروایی از طریق رضایت عمومی اقدام می‌کند. در این نظریه، بیش از پیش به نقش ارتباطات در حفظ کنترل اجتماعی توصیه می‌شود. (راثی تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

پس از طرح مفهوم قدرت نرم؛ سوزان ناسل برای نخستین بار مفهوم قدرت هوشمند را به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات به کار برد. بر اساس دیدگاه طرفداران قدرت هوشمند منابع اجباری و اقناعی شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برابری آن تداوم برتری یک کشور گردد.

(Wilson, 2008: 111)

با بررسی روایات شیعه که به‌طور صریح یا ضمنی بر قدرت دلالت دارند، می‌توان از ابعاد قدرت، نظیر قدرت سخت، نرم و هوشمند که تاکنون تعریف شده‌اند فراتر رفت و بعد جدیدی از قدرت تحت عنوان قدرت متعالی را صورت‌بندی کرد. این قدرت در جهت تحقق جامعه آرمانی است و مسیر توسعه و آبادانی را هم برای دنیا و هم برای آخرت پی‌ریزی می‌کند. نشانگان این قدرت را در روایات امامان شیعه در هشت مقوله می‌توان شناسایی کرد.



### ۳- منظومه نشانه‌های قدرت در روایات شیعه

#### ۳-۱- وارثان قدرت

از جمله ارزش‌های سیاسی شیعه تلقی قدرت به مثابه امری فرا بشری است. در روایات شیعه مالک حقیقی قدرت خداست و بدون اراده الهی صاحبان قدرت صعود یا سقوط نمی‌کنند. در روایتی از امام رضا (ع) آمده است: «هرگاه خداوند چیزی را بخواهد، عقل‌های بندگان را از آنها می‌گیرد و حکم خود را اجرا می‌کند و خواسته خود را به پایان می‌رساند.» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۴۴۲) امام علی (ع) نیز هر مالکی غیر از او (خدا) را مملوک می‌داند. (نهج البلاغه: خطبه ۶۵)

در تفکر شیعی امامت به مثابه نظام سیاسی الهی مطرح است و همانند مقام نبوت در اختیار خداوند می‌باشد. یعنی تنها اوست که برای بندگانش امام و رهبر تعیین می‌کند. (نصرتی، ۱۳۸۳: ۷۷)

بنابراین رهبران نظام دینی یا به‌طور مستقیم از جانب خدا یا از طرف پیامبر و امام معصوم انتخاب می‌شوند. (نصرتی، ۱۳۸۳: ۷۲) در همین رابطه؛ امام هادی (ع) در زیارت جامعه کبیره از امامان شیعه به عنوان رهبران سیاسی بندگان خدا و ارکان محکم شهرها یاد کرده است. در واقع امامان شیعه نماد قدرت الهی و جانشین او در زمین هستند. در این نگاه، منبع و صاحب قدرت انسان‌ها نیستند. بلکه منبع مشروعیت بخش و اعتبار دهنده قدرت، اراده الهی است.

#### ۳-۲- عدالت طلبی

عدالت از مفاهیم بنیادینی است که همه ادیان الهی با هدف تحقق آن از سوی خدای متعال به واسطه انبیاء نازل گشته‌اند. دین اسلام نیز برقراری عدالت را سرلوحه اهدافش قرار داده است. (مطهری، ۱۳۶۱: ۷۰) نظام فقه سیاسی در اسلام، یک نظام عدالت‌محور است و در چرخه عدالت است که قدرت سیاسی مشروعیت خود را کسب می‌کند. در گفتار شیعه ملاک اعتبار قدرت، عدالت است. عدالت نشانه قدرت متعالی است و ضامن ثبات سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود. امام علی (ع) بهترین فرمانروا را کسی می‌داند که ظلم را از بین ببرد و عدل را زنده

کند. (خوانساری، بی تا: ۴۳۱) او دادگری را فضیلت حکمرانان می دانست. (محمدی‌ری شهری، ۱۳۹۲، ج ۷: ۹۱) امام (ع) در نامه به مالک اشتر، بهترین کار حاکم را اقامه‌ی و گسترش عدالت عنوان می‌کند، چرا که جذب قلوب مردم و خالی شدن دل‌های‌شان از کینه می‌شود. (نهج البلاغه: نامه ۵۳) ایشان به والی خود می‌فرماید: «کار به عدالت کن و از ستم و بیداد پرهیز که ستم، رعیت را به آوارگی وادارد و بیدادگری شمشیر در میان آورد.» (شهیدی، ۱۳۷۱: ۳۶۴)

امام مهدی (عج) نماد عدالت‌طلبی در روایات شیعه است که همواره عدالت‌خواهی را در سرلوحه‌ی اعمال خود قرار داده، زمینه‌ی هم‌گرایی و همراهی مردم را با نظام‌سیاسی و در نتیجه ثبات سیاسی را فراهم می‌کند. دلالت صریح این روایات تلقی ارزش سیاسی عدالت به مثابه یکی از منابع مهم قدرت است. دلالت معنایی مرتبه دوم مجموعه احادیث این است که با عدالت‌گستری در سطح جامعه نظر مردم با نظام‌سیاسی همراه شده و دست از مخالفت و ستیز بر می‌دارند. این مسئله باعث ثبات سیاسی و امنیت داخلی می‌شود و بقای حکومت را تضمین می‌کند. اما عدالت در این نگاه ابزار خدمت به قدرت نیست بلکه کارکرد عدالت حفظ نظام‌سیاسی در جهت ایفای نقش‌های متعالی است. حفظ دین و خدمت به مردم برای در جهت نیل به سعادت. همان‌طور که امام صادق (ع) نیز اشاره دارند «عدالت نیاز جامعه و مردم است.» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۸۰: ۳۲۰) در واقع عدالت بستر را برای رشد و ترقی همه‌ی قشرها و آحاد جامعه فراهم می‌کند. علاوه بر آن خدا نگاه ویژه‌تری به سرزمینی دارد که در آن عدل حاکم است. این مسئله مقدمه‌ای بر توسعه‌ای پایدار است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر در میان مردم عدالت برقرار شود، همه بی‌نیاز می‌شوند و به اذن خداوند متعال آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خویش را بیرون می‌ریزد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۵۶۸) بنابراین عدالت نشانه قدرت‌متعالی در روایات شیعه است. از این منظر کارویژه قدرت برخلاف نظریه‌های مرسوم نه حفظ قدرت، بلکه خدمت برای رفع نیاز انسان‌ها، اصلاح و مبارزه با ظلم و فساد می‌گردد.



### ۳-۳- اصلاح‌گرایی

اصلاح‌گرایی یکی دیگر از نشانگان قدرت‌متعالی در روایات شیعه است. به گفته شهید مطهری، اصلاح‌طلبی یک روحیه اسلامی است و هر مسلمانی به حکم اینکه مسلمان است، خواه‌ناخواه اصلاح‌طلب و لاف‌زن طرف‌دار اصلاح‌طلبی است. (مطهری، ۱۳۹۹: ۱۱-۱۰) همان‌گونه که رفتار امت اسلامی با یکدیگر بر اساس امر به معروف و نهی از منکر است با حاکمان نیز بر همین مبنا استوار است. لذا برای اصلاح امور باید در مقام نقد برآمد و سیاست‌های غلط نظام‌سیاسی را به چالش کشید. امام‌علی(ع) بالاترین مرتبه امر به معروف و نهی از منکر را شعار عدالت‌خواهی در برابر رهبری ستم‌پیشه می‌داند. (نهج‌البلاغه: حکمت ۳۷۴) لذا، نقد نظام‌سیاسی سدی در مقابل استبداد و هرگونه فساد اشاعه یافته از آن است.

امروزه گروهی معتقدند که اصلاحات می‌بایست ابتدا از جامعه شروع شود؛ اما روایت امام‌جواد(ع) بدین معناست که برای اصلاحات اساسی ابتدا باید صاحبان‌قدرت اصلاح شوند. ایشان می‌فرمایند: «مردم به واسطه رؤسا اصلاح می‌شوند.» (عطاردی، ۱۳۹۱: ۲۴۶) در خصوص امام‌رضا(ع) نیز نقل شده است هنگامی که با مأمون خلوت می‌کرد او را زیاد موعظه می‌نمود و از خدا می‌ترساند و خطاب به او می‌گفت: «ای امیر، نصیحت با تو لازم و واجب است.» (مجلسی، ۱۳۶۰، ج ۴۹: ۳۰۸) در اندیشه سیاسی امام‌هادی(ع) هم مردم نسبت به حاکمانشان مسئول دانسته شده‌اند؛ چرا که «نصیحت و خیرخواهی، حق حاکمان است.» (علیخانی و اصغری‌شورستانی، ۱۳۹۲: ۱۷۸) لذا حاکمان باید بستری را فراهم‌سازند تا مردم بتوانند وظیفه‌ای را که بر دوششان قرار گرفته به خوبی اداکنند. (شامی، ۱۴۲۰ق: ۷۳۳)

### ۳-۴- مقاومت

مقاومت به عنوان نشانه‌ای از قدرت‌متعالی در روایات شیعه نزدیکی خاصی به بُعد شبکه‌ای قدرت دارد. نگاه شبکه‌ای به قدرت می‌گوید، قدرت حاصل پیوستن شبکه‌هایی هست و در برابر آن ضد

قدرت نیز از پیوستن شبکه‌هایی از نیروهای اجتماعی خواهان تغییر ایجاد می‌شود. (جمال‌زاده و خواجه‌علی، ۱۳۹۵: ۱۰۰) انقلاب‌ها و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی شیعه در طول تاریخ با همین وجه از قدرت ساماندهی شده‌اند.

نظریه امامت شیعه پیوسته حکومت‌های غیرمعصوم را نفی نموده و نامشروع شمرده است. این نظریه موجب تداوم روحیه‌ی انقلابی و آمادگی نسبی شیعیان برای انقلاب در طول تاریخ شده است. الوردی، نویسنده معروف سنی، می‌گوید: «شیعیان نخستین کسانی هستند که تفکر انقلابی و پرچم قیام را در اسلام بر ضدطغیان به دوش کشیدند و همواره نظریه‌های شیعه روح انقلاب را با خود همراه داشت.» (عمیدزنجانی، ۱۳۶۷: ۱۲۲) تأثیر این روحیه بر انقلاب‌ها تا آنجاست که اندیشمندان، انقلاب اسلامی ایران و حتی صدور آن را متأثر از «ایدئولوژی شیعه» می‌دانند. (معدل، ۱۳۷۵: ۵۲) در روایات شیعه نه تنها امر به مبارزه و مقاومت در برابر استبداد و حاکمان نامشروع شده است بلکه شیعیان از هم‌نشینی و روابط دوستانه با آنها نهی شده‌اند.

### ۳-۴-۱- شهادت

شهادت نقش بسیار حساسی در تاریخ تشیع داشته و از ابتدای ظهور آن تاکنون وجود داشته است. (عنايت، ۱۳۶۲: ۳۱۲) تا آنجا که همه امامان شیعه به شهادت رسیده‌اند. امام‌رضا(ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند هیچ‌کس از ما جز شهید و کشته شده نیست.» (نیشابوری، ۱۳۶۶: ۳۸۳) از صدر اسلام تاکنون، نمونه‌های تاریخی زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد هر گاه فرهنگ شهادت بر مسلمانان حاکم بود، به پیروزی رسیدند و دشمنان را به زانو درآوردند. در واقع این روحیه‌ی شهادت‌طلبی است که نصرت الهی را نازل می‌کند و پیروزی بر دشمنان را فراهم می‌سازد. (محیطی‌اردکانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۰۲) شاید به ظاهر روحیه‌ی مقاومت بُعد سخت قدرت به نظر بیاید، اما بحث شهادت‌طلبی در کنار بُعد نظامی خود منجر به الگوسازی و فرهنگ‌سازی برای نسل‌های بعدی نیز می‌شود. لذا تلفیقی از قدرت سخت و نرم است و می‌توان آن را نشانه‌ی قدرت متعالی در روایات شیعه دانست. به‌طور کلی، اندیشه سیاسی شیعه شهادت را به عنوان یک اصل و

هدف استراتژیک و تأثیرگذار در صحنه دفاعی و تعاملات بین‌المللی جهان اسلام تلقی کرده، و آن را مهم‌ترین عامل نجات ملل ستم‌دیده از شر استعمار، استثمار و حکومت‌های ظالم و مستبد، می‌داند.

### ۳-۴-۲- غیبت

یکی از مبانی اعتقادی شیعه که تأثیر به‌سزایی در روحیه‌ی مقاومت و انقلابی‌گری شیعیان داشته است، اعتقاد به منجی است. فوکو اعتقاد به امام‌زمان (عج) را موتور محرکه‌ی هیجانات اجتماعی شیعه می‌داند و اعتقاد به مهدویت را عاملی می‌داند که مردم را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد. (فوکو، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۷) شیعه دائماً مورد تعرض حکام جور بوده و نیاز به حامی قدرتمندی داشته است، امامان شیعه حتی در دوران غیبت پیوسته این نقش را ایفا کرده‌اند. امام مهدی (ع) در اینخصوص می‌فرماید: «ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را فراموش نمی‌کنیم، اگر جز این بود گرفتاری‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه‌کن می‌کردند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳: ۱۷۵)

در این روایات امامت دلالت بر قدرت دارد، چرا که امام‌زمان (ع) علی‌رغم غیبت ظاهری در امورات شیعه دخالت داشته و پاسدار آنهاست. در واقع همه چیز به امر ایشان و با اراده خدا تحقق می‌یابد. لذا امامت نشانه‌ی قدرت‌متعالی در روایات شیعه است. «قدرتی که فیزیکی نیست اما از توانایی مقاومت مقابل قدرت رسمی برخوردار است. غیبت امام معصوم در حقیقت اوج «نمادین-سازی» قدرت در شرایط خفقان بوده است. معنای غیبت امام «انتظار» جامعه شیعه برای فرصت تاریخ‌ساز است. غیبت کنشی معطوف به عبورپذیر کردن مرزهای قدرت رسمی از طریق کنشی خارج از چارچوب‌های مرسوم است. اولین دلالت معنایی غیبت، نارضایتی از وضع موجود و برساختن سوژه‌های اجتماعی خارج از عرصه قدرت رسمی است.» (اکوانی، ۱۳۹۸: ۱۵۱)

کنشگرانی که منتظر بازگشت هستند؛ «از وضع موجود ناراضی هستند و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کنند» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰: ۸۵) دومین دلالت معنایی غیبت این است که، مخاطب

غیبت طبیعتاً قدرت حاکم نیست بلکه حوزه نفوذ آن زندگی روزمره سوژه‌هایی است که قدرت رسمی آنها را طرد کرده است و از وضع موجود رضایت ندارند. بنابراین متظر نه از طریق ساخت رسمی قدرت بلکه از طریق نهادهای میکروفیزیک قدرت به دنبال حضور در فضای اجتماعی و ترویج هنجارهایی است که از یک طرف ساختارهای موجود را نامطلوب بازنمایی می‌کند و از طرف دیگر ارزش‌های جایگزین را به متن جامعه منتقل می‌کند و نظام اجتماعی را با انتظار همسو- می‌سازد. (اکوانی، ۱۳۹۸: ۱۵۱)

امام‌زمان (عج) در روایتی به خوبی قدرت خود را به رخ دشمنان کشیده‌اند تا هم قوت قلبی باشد برای شیعیان و هم پیامی آشکار برای دشمنان. آنجا که خود را ذخیره‌الهی در زمین معرفی می‌کند که از دشمنان او انتقام می‌گیرد. (محمدی‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۸۵) هر دو واژه بقیه و المنتقم در این روایت دلالت بر قدرت دارند. در واقع شیعه قدرتش را از امام معصوم (ع) می‌گیرد، چرا که آن حضرت علی‌رغم غیبت فیزیکی‌شان بر ما حاکم‌اند و در حال رتق و فتق امورات جاریه ما هستند. بنابراین امامت نشانه قدرت متعالی در روایات شیعه است.

### ۳-۵- مردم‌گرایی

در روایات شیعه «مردم‌گرایی» نشانه قدرت است. چرا که قرار گرفتن امامان شیعه در قدرت به خواست مردم بستگی دارد. پیامبر (ص) با تفکیک میان ولایت و تولیت که اولی را متعلق به امام علی (ع) دانسته و دومی را به مردم وابسته کرده است از او می‌خواهد تا زمانی که مردم او را قلباً نخواستند از قدرت دوری کند. (ابن طاووس، ۱۳۷۵: ۲۴۸ - ۲۴۹)

علی‌رغم سنت‌های حاکم در جهان برای به قدرت رسیدن که منطقی جز شمشیر نداشت. در روایات شیعه برای تشکیل حکومت در کنار مشروعیت، مقبولیت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ای مردم! همانا حکومت متعلق به شماست و دیگران در آن حق ندارند؛ مگر کسانی که شما حکومت را به آنان واگذار کنید.» (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۹۳) خواست مردم در اینجا دلالت بر قدرت دارد. چون خواست آنهاست که حاکمیت صاحبان قدرت را تأیید و

تثبیت می‌کند. امام علی (ع) تصدی بیرونی حکومت را به حضور مردم وابسته می‌سازند. به همین خاطر، امام (ع) حضور فراوان بیعت‌کنندگان و تمام شدن حجّت از سوی یاران را دلیل پذیرفتن خلافت عنوان کرد. (نهج البلاغه: خطبه ۳) بنابراین در تفکر شیعی، آرای عمومی تأثیر به‌سزایی در تعیین زمامدار دارد و شرط اصلی اعمال ولایت رضایت عمومی است. (ارسطا، ۱۳۷۹: ۱۱۶)

بعد دیگری از مردم‌گرایی در روایات شیعه خدمت‌گزاری به آنهاست. رسیدگی به امورات مردم مقبولیت عمومی را افزایش داده و اقتدار سیاسی به ارمغان می‌آورد. امام علی (ع) از مالک اشتر می‌خواهد تا با مردم در مجلسی عمومی بنشیند و شخصاً به مشکلات‌شان رسیدگی کند. (نهج البلاغه: نامه ۵۳) به اعتقاد امام (ع) به‌دوش کشیدن بار هزینه‌های مردم و نان رساندن به آنها] موجب سروری می‌شود. (نهج البلاغه: حکمت ۲۲۴) کسی که بارهای سنگین مردم را بر دوش کشد مردم او را بر سر خود می‌نشانند و او را اهل رهبری و ریاست می‌بینند، دین و رنگ و نسبش هر چه باشد. (مغنیه و غریری، ۱۳۸۱: ۳۵۱) امام حسن (ع) نیز سیاست را توجه به برادران دینی و انجام وظایف‌مان نسبت به آنان می‌داند، در حالی که صاحبان‌قدرت مردم را بردگان خود می‌دانند (سیدنژاد، ۱۳۸۱: ۱) در واقع هدف از حکومت نه کسب قدرت به هر روش، بلکه خدمت به مردم است. بنابراین خدمت‌گزار مردم بودن دلالت بر قدرت دارد.

### ۳-۶- دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی

یکی از ضروریات برای حیات و تعالی هر فرد و جامعه، توجه به مسئله‌ی «دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی» و جذب دوستان و دفع دشمنان است. (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۳۲) تولی و بری از جمله نشانه‌های قدرت در روایات شیعه است. این موضوع از روش‌های تثبیت گفتمان مطلوب جامعه اسلامی است. در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «انّی سلّم لِمَنْ سالَمکُمْ و حَرَبُ لِمَنْ حارَبکُمْ الی یومِ القیامه: من تسلیم و در صلح با کسی که با شما در صلح است و در جنگ با هر کس که با شما در جنگ است تا روز قیامت.» دوستی و دشمنی دلالت صریح بر قدرت دارد، چرا که زیر بنای یک گفتمان سیاسی را تشکیل داده و معیاری هدفمند جهت برقراری و توسعه روابط با

قدرت‌های دوست و مقدمه‌ای برای جنگ با قدرت‌های دشمن است. امام‌رضا(ع) در نامه خود به مأمون تولی و تبری را واجب دانسته (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۴۳۳، ج ۱۱) و کمال دین را در ولایت ائمه(ع) و بیزاری جستن از دشمن‌شان عنوان می‌کند. (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۴۹) بنابراین، تولی و تبری دلالت ضمنی بر قدرت دارد، چرا که در قالب ابزاری بصیرت‌افزا دین را در برابر دشمنی‌ها و فتنه‌ها محافظت می‌کند.

### ۳-۷- سکوت

قدرت‌متعالی از نظر روش مبارزه نیز با نظریه‌های مرسوم متفاوت است. در روایات شیعه در شرایط خاص سکوت از جمله روش‌های مقاومت مقابل قدرت حاکم و غاصب است. در طول تاریخ همواره صاحبان قدرت وجود شیعیان را تهدیدی برای حاکمیت خود می‌دانستند و منتظر فرصت مناسب برای قلع و قمع‌شان بودند. لذا امامان شیعه(ع) برای حفظ جان و مال شیعیان تقیه را مطرح کرده‌اند.

منظور از تقیه، پنهان کردن عقیده واقعی خود در موضوع حکومت است. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۳۷) تقیه آنقدر اهمیت دارد که امام‌رضا(ع) تارک تقیه را در حد تارک نماز معرفی می‌کند. (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۴: ۲۶) امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: «نگران دین خود باشید و آن را با تقیه پوشیده نگه‌دارید.» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۱۷) [چرا که] تقیه سپر مؤمن است. (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۲۰) در این روایت تقیه دلالت ضمنی بر قدرت دارد، زیرا دین که به معنی گفتمان سیاسی است توسط تقیه حراست می‌شود. امام حسن(ع) هم در نامه خود به معاویه، دلیل صلحش را «ملاحظه‌ی مصالح امت اسلامی و حفظ جان مسلمانان» عنوان می‌کند (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۴۰۹) که نشانه تقیه است.

همچنین امام باقر(ع) فلسفه تقیه را «حفظ خون‌ها» می‌داند. (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۳۱۳)

تقیه دلالت صریح بر قدرت دارد چرا که مثل یک سیستم فوق‌العاده امنیتی برای حفظ جان اعضاء و اسرار سازمان عمل می‌کند. در دورانی که هرگونه آزادی سیاسی و اجتماعی از شیعیان سلب شده بود و حتی ارتباط با خاندان علوی بزرگ‌ترین جرم سیاسی به شمار می‌رفت ائمه(ع) اصحاب خاصی داشتند که اسرار را تنها برای آنان بیان می‌کردند که آنها را اصحاب السر و باب امامان

می‌خوانند. (عاشوری لنگرودی، ۱۳۸۹: ۱۶)

تقیه بر خلاف تصور مرسوم، کنشی هدفمند و معنا ساز است که نوعی دلالت معنایی صریح و نوعی دلالت معنایی ضمنی داشته است. دلالت معنایی صریح تقیه، تعلیق کنش در ارتباط با ساحت سیاست رسمی است. ضمن آنکه نوعی بی‌طرفی در حوزه سیاسی را نیز با خود به همراه دارد. از منظر دلالت معنایی صریح تقیه فرصت‌های معنایی زیادی را ایجاد و زمینه را برای کنش آزادانه تر فراهم می‌کند. به عنوان مثال مواضع بی‌طرفانه امام سجاد در برخورد با امویان سبب شد تا ایشان در مدینه آزادانه زندگی کنند و کمتر توجه مخالفان را به خود جلب نماید. از سویی امام نیز در این شرایط برای حفظ و تبیین دین فرصت بیشتری یافت. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۵۶) اما دلالت معنایی ضمنی آن شیوه‌ای متفاوت از کنش سیاسی را مد نظر دارد. شیوه‌ای که به جای ساحت رسمی سیاسی، زندگی روزمره را به عنوان حوزه تولید و انتشار نظام معنایی گفتمان طرد شده در نظر می‌گیرد و از رهگذر آن حوزه‌های هژمونی قدرت رسمی را به تدریج از نظام معنایی قدرت حاکم تهی می‌کند و نظام معنایی گفتمان مقاومت را جایگزین آن می‌سازد. از این رو رازداری و تقیه به عنوان سکوت پسندیده‌ی نخبگان، منجر به تقویت جامعه‌ی اسلامی می‌شود. (امینی و کریمی‌آخورمه، ۱۳۹۳: ۹۰) امام صادق (ع) در باب اهمیت رازداری می‌فرماید: «حاضر م دستم را فدا کنم، ولی در شیعیان من صفت مخفی داشتن اسرار ایجاد شود.» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۲۱).

امام علی (ع) نیز به‌خاطر جلوگیری از بروز اختلاف و خونریزی در برخورد با قاصبان قدرت سیاست سکوت را برگزید. (نهج البلاغه: نامه ۶۲) در واقع امام (ع) صبر کردند تا مردم به اشتباه خود پی ببرند. چرا که امام (ع) «صبر» را «ضامن پیروزی» می‌دانست. (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۷۷) در واقع همین صبر و سیاست سکوت بود که سرانجام امام را به قدرت رساند.

### ۳-۸- همبستگی اجتماعی

از جمله نشانه‌های قدرت متعالی در روایات شیعه مقوله همبستگی است. اتحاد و همبستگی از جمله عوامل موفقیت مسلمانان بوده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «همراه توده مردم باشید زیرا

دست خدا با جمعیت است و از جدایی و پراکندگی بپرهیزید.» (نهج البلاغه: خطبه ۱۲۷) همچنین می‌فرماید: «من تا روزی مخالفت را برمی‌تابم که به صفوف به هم پیوسته اتحاد مردم لطمه‌ای وارد نشود و تشّت در جامعه ایجاد نشود.» (بخشی، ۱۳۸۹: ۱۳۳) در ادامه می‌فرماید: «ای مردم! امواج کوه‌پیکر فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات (علم - ایمان و اتحاد) درهم‌شکنید؛ از راه اختلاف و پراکندگی کنار آید.» (نهج البلاغه: خطبه ۵) در واقع، همبستگی اجتماعی آنقدر اهمیت دارد که امام علی (ع) به خاطر حفظ آن دست به شمشیر نبرد و حکومت را تا روزی که مردم از او نخواستند نپذیرفت. (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ج ۳۲: ۶۱)

در تاریخ بارها شاهد آن بوده‌ایم که همبستگی عامل پیروزی باطل بر حق بوده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر بنی‌امیه کسی را نمی‌یافتند که برایشان بنویسد و مالیات جمع‌آوری کند و برایشان بجنگد و در جماعت‌شان حاضر شود، هرگز نمی‌توانستند حق ما را سلب کنند.» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵: ۱۰۶) امام‌زمان (عج) نیز در نامه خود به شیخ مفید می‌فرماید: «اگر شیعیان ما، دل‌هایشان در وفا به عهد و پیمانی که به ما دارند، گردهم می‌آمد [اجماع قلوب پیدا می‌کردند]، از فیض دیدار ما محروم نمی‌شدند و سعادت دیدار ما زودتر نصیب‌شان می‌شد.» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۹۹)

#### نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله نشان دادند با بررسی روایات شیعه که به‌طور صریح یا ضمنی بر قدرت دلالت دارند می‌توان از ابعاد قدرت، نظیر قدرت سخت، نرم، هوشمند، و... فراتر رفت و از بُعد جدیدی از قدرت در فقه‌سیاسی شیعه، به نام قدرت متعالی سخن گفت. در این نوع از قدرت منبع قدرت، خداست و اوست که مقدرات را تعیین می‌کند و حتی اگر بشر اختیار و حق انتخاب دارد، این خداست که این حق را به او داده است. همچنین در گونه‌های مختلف قدرت مطرح شده در نظریه‌های سیاسی انسان‌ها ذاتاً نابرابرند و در نهایت قدرت کالایی است که در تملک گروهی به ضرر گروهی دیگر اعمال می‌شود. اما در روایات شیعه از نظر ظرفیت، انسان‌ها برای کسب و اعمال



قدرت تفاوت دارند. قدرت متعالی همه انسان‌ها را در صورت رعایت تقوای الهی برابر می‌داند. به لحاظ شیوه اعمال قدرت نظریه‌های سیاسی غربی آن را با تصدی نهادهای رسمی و ابزارهای کمی مساوی می‌دانند اما در نظریه قدرت متعالی هر جایی و مکانی محل روابط قدرت است و قدرت متکی به ابزارهای سلطه نیست. قدرت متعالی جوامع را به مقاومت در برابر سلطه نظام‌های سیاسی سلطه‌گر فرامی‌خواند. در حالی که قدرت نرم و سخت در نهایت با تصدی قدرت رسمی و در نهایت سلطه گروهی بر گروه دیگر مساوی است. از منظر قدرت متعالی، قدرت صرفاً مساوی با نهادهای رسمی و تصاحب مستقیم قدرت نیست. برعکس قدرت اصلی، قدرت پراکنده در جامعه است و روش‌هایی چون تقيه، سکوت، شهادت مولد قدرتی است که تاثیر نهایی آن در مقابله با قدرت حاکم و تحقق اهداف گفتمان شیعه بسیار بیشتر از قدرت رسمی است.

در منظومه معنایی قدرت متعالی مطرح شده در روایات شیعه مشروعیت نظام سیاسی با خداست، اما برای مقبولیت رأی مردم نیز ضروری است. از این منظر، قدرت متعالی با بنیادهای قدرت نرم متفاوت است؛ زیرا قدرت نرم با روش‌های پیچیده تلاش می‌کند مشروعیت قدرت را به نام مردم پیوندد اما در حقیقت صاحبان قدرت برای کسب مشروعیت تنها به ظاهر به نظر مردم اهمیت می‌دهند و روش‌هایی که برای جلب نظر مردم و تولید رضایت به کار گرفته‌اند با تقاضاهای حقیقی مردم فاصله دارد.

هدف قدرت متعالی از نظر روایات شیعه اصلاح‌گری و هدایت بشریت و تبدیل دنیا به یک آرمان‌شهر است. اما در گونه‌های مطرح شده در نظریه سیاسی معاصر اعمال قدرت از هر طریقی حتی اصلاح در راستای تحقق منافع صاحبان قدرت است. لذا اصلاحات در پرتوی قدرت سخت و نرم در نهایت تأمین‌کننده منافع گروهی به ضرر گروه دیگر است.

## منابع

- ابراهیم نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳)، بررسی تولی و تبری در اسلام و مهجوریت آن در امت اسلامی، سراج منیر، شماره ۱۶، ۱۳۱-۱۵۰.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۱۷ق)، الکامل فی التاریخ، جلد ۳، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۰)، تحف العقول، ترجمه بهرادجعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن طاووس، علی (۱۳۷۵)، کشف المحججه لثمره المهجه، تصحیح محمدحسون، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
- ارسطا، محمدجواد (۱۳۷۹)، اهتمام به آرای عمومی و دید مردم در نگاه امام علی (ع)، حکومت اسلامی، شماره ۱۷، ۱۱۰-۱۲۸.
- اکوانی، حمداله (۱۳۹۸)، سیاست معنا در گفتمان شیعه، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۶، شماره ۵۸، ۱۳۵-۱۵۴.
- امینی، نوروز؛ کریمی آخوومه، ثریا (۱۳۹۳)، نقش سکوت و سخن نجبگان در تکامل جامعه از دیدگاه قرآن و روایات، مهندسی فرهنگی، شماره ۸۱، ۷۹-۹۷.
- بخشی، معصومه (۱۳۸۹)، عوامل وحدت و انسجام در قرآن و حدیث، جستار، دوره ۹، شماره پیاپی ۲۷، ۱۲۴-۱۳۹.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، جلد ۱، قم: دارالکتب الاسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، گزیده حیات سیاسی و فکری امامان شیعه، قم: دفتر نشر معارف.
- جعفری پناه، مهدی؛ پوراحمدی، حسین (۱۳۹۱)، قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره ۶، ۹۷-۱۱۳.
- جمال زاده، ناصر؛ خواجه علی، محمد (۱۳۹۵)، تبیین فرایند پیروزی انقلاب اسلامی ایران براساس مدل قدرت شبکه‌ای مانوئل کاستلز، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱، ۹۹-۱۱۸.
- حرعالمی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، جلد ۱۱، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- خوانساری، جمال‌الدین (بی تا)، شرح بر غررالحکم و دررالکلم، جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- درخشه، جلال؛ حسین فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های سیاست ورزی در سیره‌ی امام رضا(ع)، فرهنگ رضوی، سال سوم، شماره ۱۲، ۷-۳۴.
- راثی تهرانی، حبیب (۱۳۸۱)، نظریه هژمونی، کتاب ماه علوم اجتماعی.
- سیدنژاد، میرصادق (۱۳۸۱)، شهادت امام حسن مجتبی(ع)، مجله گلبرگ، شماره ۲۹، ۱-۵.
- شاکری، روح‌الله؛ لکزایی، رضا (۱۳۹۶)، منابع نرم قدرت متعالی در اندیشه سیاسی امام خمینی، مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۱، ۵۱-۷۰.
- شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، الدر النظیم فی مناقب الائمه اللهمیم، قم: جامعه مدرسین.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۱)، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق) تصحیح اعتقادات الامامیه، قم: مامؤتمر العالمی الشیخ المفید.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی أهل اللجاج، محقق محمد باقر خراسان، جلد ۲، مشهد: نشر مرتضی.
- عاشوری لنگرودی، حسن (۱۳۸۹)، ائمه(ع) و رازداری، فرهنگ کوثر، شماره ۸۱، ۱۰-۲۰.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۸)، بنیادهای علم سیاست، چاپ بیستم، تهران: نشر نی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۴۰۰)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، تهران: وزارت امور خارجه.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۸۱-۲۰۴.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۹۱)، مسند الامام الجواد، چاپ دوم، ناشر: عطارد.
- علی‌بن‌ابی طالب (ع) (۱۳۷۹)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: ایران.
- علیخانی، علی‌اکبر؛ اصغری شورستانی، محمدرضا (۱۳۹۲)، نگاهی به دیدگاه‌های سیاسی امام هادی(ع)، حکومت اسلامی، سال هجدهم، شماره ۲، ۱۶۵-۱۸۵.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی.
- عنایت، حمید (۱۳۶۲)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهالالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- فوکو، میشل (۱۳۷۵)، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، تهران: نشرنی.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵)، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، جلد ۳، قم: حوزه علمیه اسلامی.  
لکزایی، نجف؛ حبیبی، حمید (۱۳۹۷)، انواع قدرت از دیدگاه قرآن کریم، امنیت ملی، دوره ۸، شماره ۲۸، ۴۰-۱۱.

مارکس، کارل؛ انگلس، فریدریش (۱۳۵۹)، مانیفست حزب کمونیست، ترجمه محمد پورهرمزبان، تهران: حزب توده ایران.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۰)، بحار الأنوار، جلد ۴۹، ۵۳، ۳۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی، مترجمه حمیدرضا شیخی، جلد ۱، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۹۲)، میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی، ترجمه حمیدرضا شیخی، جلد ۷، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

محیطی‌اردکانی، احمد (۱۳۸۵)، معصومین (ع) و فرهنگ شهادت، فرهنگ کوثر، شماره ۶۶، ۹۸-۱۰۸.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، عدل الهی، چاپ دوم، تهران: صدرا  
مطهری، مرتضی (۱۳۹۹)، نهضت‌های اسلام صد سال اخیر، تهران: صدرا.

معدل، منصور (۱۳۷۵) طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.  
مغنیه، محمدجواد؛ غریبی، سامی (۱۳۸۸)، در سایه‌سار نهج‌البلاغه، ترجمه محمدجواد معمری، جلد ۴، قم: دارالکتاب‌الاسلامیه.

مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، حکومت جهانی مهدی، قم: انتشارات نسل جوان.  
مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)، سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مؤسسه انتشارات وزارت امور خارجه.

میرزایی، محمد (۱۳۹۴)، قدرت نرم و منابع آن در آینه‌ی آیات قرآن، آموزه‌های قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۲۱، ۷۸-۵۱.

نصرتی، علی اصغر (۱۳۸۳)، نظام سیاسی اسلام، قم: نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خوارهران)

نیشابوری، فتال (۱۳۶۶)، روضه‌الواعظین، ترجمه محمود مهدی دامغانی، جلد ۱، تهران: نشرنی.

ویر، ماکس (۱۳۶۷)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمدصدراتی، چاپ اول، ناشر: نشر مرکز.  
وحیدی، موسی الرضا (۱۳۸۶)، فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل، مطالعات راهبردی،  
سال دهم، شماره ۴، ۶۹۷-۷۲۴.

Nye, J. S. (1990), "Soft Power", Foreign Policy. No. 80: pp. 153-171  
Wilson, Ernest, j. (2008), "Hard Power, Soft Power, Smart Power", The  
Annals of the American Academy of Political and Social Science, March.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی